

ترجمہ نوین

الصَّحِيفَةُ الْمُبَشِّرَةُ



فاطمہ احمدی



شرکت چاپ و انتشارات آهوه



ترجمه نوین الصَّغِيْرَةُ السَّجَّادِيَّةُ

ft.ahmadi121@yahoo.com

ترجمه فاطمه حمیدی

www.ketab.ir

- ناشر: انتشارات اسوه
- طراح گرافیک: حسن مختاری (استودیو هاما)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم (۱۴-۳۶۶۴۴۲۲۱۱-۰۲۵)
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- بها: ۱۲۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۶۶۴-۲

فروشگاه و نمایشگاه دائمی

- فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، روبروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷-
تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۰۱۷۴۷ نمابر: ۶۶۴۱۸۰۲۲
- فروشگاه شماره ۲: قم، خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس تلفن: ۳۷۷۴۱۲۸۲ نمابر: ۳۷۷۳۷۶۶۰
- فروشگاه شماره ۳: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، پلاک ۳۰- تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱-۲۳

مقدمه حجت الاسلام والمسلمین استاد حسین انصاریان	۱۳
مقدمه مترجم	۱۵
سندروایت صحیفه	۱۹
دعای یکم: ستایش خدای عزوجل	۴۷
دعای دوم: درود بر محمد ﷺ و خاندان او ﺍﻟﻤﺎﺋﻤﺔ	۵۷
دعای سوم: درود بر حاملان عرش و تمام فرشتگان مقرب	۶۱
دعای چهارم: درود بر ایمان آورندگان به رسولان	۶۷
دعای پنجم: دعای آن حضرت برای خود و پیروانش	۷۳
دعای ششم: دعای آن حضرت هنگام صبح و شام	۷۹
دعای هفتم: دعای آن حضرت در امور مهم و ناگواری ها	۸۷
دعای هشتم: دعای آن حضرت در پناه جستن (از اخلاق ناپسند)	۹۱
دعای نهم: دعای آن حضرت در شوق (به آموزش)	۹۵
دعای دهم: دعای آن حضرت در پناهندگی به خدای متعال	۹۹
دعای یازدهم: دعای آن حضرت برای عاقبت بخیری ها	۱۰۱
دعای دوازدهم: دعای آن حضرت در اعتراف به گناه	۱۰۳
دعای سیزدهم: دعای آن حضرت در طلب حاجت ها	۱۰۹

دعای چهاردهم: دعای آن حضرت در دادخواهی ها	۱۱۵
دعای پانزدهم: دعای آن حضرت هنگام بیماری	۱۱۹
دعای شانزدهم: دعای آن حضرت در، گذشت خواستن از گناهان	۱۲۳
دعای هفدهم: نفرین آن حضرت بر شیطان	۱۳۳
دعای هجدهم: دعای آن حضرت هنگام رفع بلا	۱۳۹
دعای نوزدهم: دعای آن حضرت در طلب باران	۱۴۱
دعای بیستم: دعای آن حضرت دربارهٔ مکارم اخلاق	۱۴۵
دعای ییست و یکم: دعای آن حضرت هنگام اندوه	۱۶۱
دعای ییست و دوم: دعای آن حضرت هنگام سختی	۱۶۷
دعای ییست و سوم: دعای آن حضرت برای عافیت	۱۷۵
دعای ییست و چهارم: دعای آن حضرت برای پدر و مادرش علیه السلام	۱۷۹
دعای ییست و پنجم: دعای آن حضرت برای فرزندانش	۱۸۵
دعای ییست و ششم: دعای آن حضرت برای همسایگان و دوستانش	۱۹۱
دعای ییست و هفتم: دعای آن حضرت برای مرزداران	۱۹۳
دعای ییست و هشتم: دعای آن حضرت در پناه بردن از ترس، به خداوند	۲۰۳
دعای ییست و نهم: دعای آن حضرت هنگام تنگی روزی	۲۰۷
دعای سی‌ام: دعای آن حضرت در طلب یاری بر آدای دین	۲۰۹
دعای سی و یکم: دعای آن حضرت برای توبه	۲۱۳
دعای سی و دوم: دعای آن حضرت بعد از نماز شب	۲۲۵
دعای سی و سوم: دعای آن حضرت در طلب خیر (استخاره)	۲۳۷
دعای سی و چهارم: دعای آن حضرت هنگام گرفتاری، یادیدن گرفتار به گناه	۲۳۹
دعای سی و پنجم: دعای آن حضرت در خشنودی به تقدیر	۲۴۱
دعای سی و شش: دعای آن حضرت هنگام شنیدن صدای رعد	۲۴۳

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ؛ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ
مِنْ شَاكِرِينَ، وَلِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ»!

ستایش خدای الهی را به ستایش خویش رهنمون گشت، و ما
را شایسته آن گردانید که از بسیار گزاران احسانش باشیم، تا بر
آن (سپاس)، پاداش نیکوکاران عطا نماید.

حمد ازلی و لم یزلی خدایی را سزااست که ما را رخصت بخشید تا بر مائده
کریمانه دعا بنشینیم، و جانمان را از زلال تسنیم آن سیراب سازیم، و در رهگذار پر
مخاطره دنیا و هجوم وساوس شیطانی و رذایل نفسانی، با مرکب رهوار نیایش به
حصن حصین توحید راه یابیم.

درود بیکران بر انبیای الهی ﷺ به ویژه قافله سالار هستی و حافظ اسرار الهی
حضرت ختمی مرتبت ﷺ، و تحیت بی انتها بر خاندان برگزیده او ﷺ، به ویژه
حضرت سیدالشاجدین والعابدین ﷺ که در برج نیایش بدر منیر است و نجواهای
عارفانه او از منطقه ملکوت و جبروت فراتر رفته، به حضرت لاهوت پیوسته است.

راز نهاد هستی، ربط محض با خالق خویش است، و هستی با تمام حقیقتش، زبانی است که دائماً بقای خویش را از حضرت «باقی» می‌طلبد. انسان نیز در این مجموعه، با امر به دعا ممتاز گردیده است. بنابراین شریفه **«أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»**؛ «دعا اطاعت امر الهی است. و بر اساس **«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»**^۱، دعا، عبادت و ترک آن استکبار است.^۲

آدمی در پناه دعا، از وادی حیرت دوری از خدا نجات یافته، ارباب متفرقه را کنار می‌زند و به درگاه رب الارباب روی آورده، خویش و روحانیت خویش را می‌یابد. دعا‌های مأثور از امامان معصوم **«علیهم‌السلام»**، اذن این ارتباط خاص میان خالق و مخلوق است.

بسیارند کسانی که می‌پندارند دقایق سلوک و لطایف غیبی را باید فقط در گفتار و نوشتار عرفا یافت و با همین ابزار سحرمایه عمر عزیز را در مطالعه آثار مشایخ صرف می‌کنند تا نمی‌بینند و لبی ترک کنند؛ حال آن‌که از آبشخوری منتهای دعاها بی‌خبرند. و برخی از آنان حتی یک بار با همان دقتی که آن آثار را بررسی کرده‌اند، در این گنجینه‌های معرفت، تعمق، و حتی آن‌ها را توراتی کرده‌اند!!

بی‌شک لب لباب و اتم‌ها مطالبی که همه بزرگان معرفت از دیرباز تا کنون یافته‌اند، ریشه در این دعاها دارد و قطره‌ای بلکه شبنمی از معارف بیکران آنها است. صاحبان این ذخایر کسانی هستند که در کلام آنان روح ولایت بانفوس قدسی‌شان در آمیخته، و مؤید به فیض دم به دم روح القدس اند؛ گلستان‌های معرفت را یک به یک شهود کرده و اینک به وصف آن نشسته‌اند؛ صندوق علوم بی‌منتهای غیب الهی‌اند و از راه‌های آسمان سخن می‌گویند.

«ادعیه صادره از معصومین **«علیهم‌السلام»** پاسخ قرآن است؛ به طوری که گویا قرآن، کلام و مناجات پروردگار با رسول خویش **«صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»**، و ادعیه، مناجات حضرت رسول **«صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»**

۱. «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم». (غافر/۶۰)

۲. «کسانی که از عبادت من استکبار ورزند (روی بگردانند)، به زودی با ذلت وارد جهنم میشوند.» (همان)

۳. حضرت سیدالشاجدین **«علیه‌السلام»** در دعای ۴۵ صحیفه مبارکه، به این مطلب اشاره فرموده‌اند.

واهل بیت علیهم السلام با خدای متعال است و به جز عده معدودی این حقیقت را نمی فهمند؛ به همین دلیل صاحبان این ادعیه منت زیادی بر ما دارند و شاکران قادر بر شکر این نعمت نیستند.^۱

تنها مجموعه ای که از بطنان عرش ولایت، به صورت زیبای دعا جلوه نموده و دائرة المعارفی از اسرار توحیدی، آموزه های عرفانی، مکارم اخلاقی و دستورهای تربیتی است، همین نیایش نامه نورانی امام زین العابدین علیه السلام است که از افق قلب مبارک خویش انشا فرموده، و فرزند ارجمندش امام محمد باقر علیه السلام نگاشته، و نواده دلبنده اش امام جعفر صادق علیه السلام نظاره گر این املا و کتابت بوده است. جان عالمی به فدای چنین گوینده و نویسنده و شنونده ای که گرد هم آمده اند، تا انجیل اهل بیت علیهم السلام را بنگارند و زبور آل محمد علیهم السلام را رقم زنند و چنگ زدگان به ریسمان ولایت را از کوثر دعا سیراب، و به سرچشمه توحید وارد سازند.

اینک خاضعانه سر تسلیم و ارادت در برابر آستان بلند و قدسی آنان فرود آورده، بازبان حال و مقال چنین عرض ادب می نمایم:

بِکُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ... بِکُمْ سَمَّاهُ اللَّهُ مَعَالِمَ دِينَا وَ...^۲

ترجمه حاضر، طی سه سال بررسی و تطبیق بیش از ده ترجمه معتبر، و مراجعه مکرر به فرهنگ های اصیل لغات، و تطبیق کلمات دعا با واژه های مشابه قرآنی، و کنکاش ادبی هر واژه براساس شرح «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام»، و در نهایت جستار در دایره وسیع واژگان فارسی، سعی بلیغی در هر چه نزدیک تر نمودن ترجمه با متن مبارک صحیفه سجّادیه داشته است.

برای اطمینان از صحت و تنقیح، متن مورد نظر چندین بار با وسواس علمی بالایی بازخوانی و تطبیق شده؛ آنگاه به محضر تنی چند از اساتید برجسته حوزه

۱. میرزا جواد ملکی تبریزی (قدس سره)، ترجمه المراقبات، ص ۲۲۱.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

ودانشگاه عرضه گردیده، وایشان بزرگوارانه از سر عشق و ارادت به پیشگاه صاحب صحیفه، متن و ترجمه را به دقت بررسی نموده، کاستی‌ها را یادآور شدند؛ سعی‌شان مشکور باد!

علاوه بر دقت نظرهای اعمال شده، ویژگی‌های این ترجمه عبارتند از:
(الف) به منظور تمییز عبارات هر دعا و درک سریع‌تر نیایشگران، تقطیع متن با تمرکز بر مفهوم و محتوا، باروشی نوانجام شده است.

(ب) در ترجمه، اصول ویرایش زبانی و فنی مبتنی بر معیارهای زبان فارسی اعمال شده است.

(ج) از آنجا که در متن صحیفه مبارکه، برخی آیات به صورت کامل تضمین شده و برخی نیز به صورت عبارات قرآنی درج گردیده، برای ممتاز شدن آن‌ها از عبارت‌های دعا، آیات و عبارات قرآنی و معنای هریک، با رنگی متفاوت در گیومه آمده، و آدرس آیات نیز در پاورقی هر صفحه ذکر گردیده است.

(د) ارائه اختلاف نسخ بر مبنای «ریاض السالکین سید علی خان مدنی شیرازی (ره)» و «ترجمه و شرح علامه شعرانی (ره)»، از ویژگی‌های دیگر این ترجمه است، که محققان گرامی را برای دریافت وجوه احتمالی معنایاری می‌نماید. (فهرست اختلاف نسخ در پایان کتاب آمده است).

اینک با تمام ذرات وجود معتزیم که ترجمه سخنان قدسی امامان معصوم علیهم‌السلام همچون کلام وحی، آنگونه که شایسته است میسور احدی نیست و نه تنها زبان فارسی، که هیچ زبانی چنین قابلیت را ندارد؛ لیکن بدیهی است که با اقرار به این واقعیت، نمی‌توان چشم بر ترجمه بست و تشنگان کلام نورانی عصمت را، که درک مستقیم متون عربی برای آنان دشوار است، از این آب‌خور زلال معرفت محروم نمود؛ «ما لایدرک کُله لایترک کُله».